

مشاور رئیس جمهوری در امور مطبوعات نیز با انتشار یادداشتی در وبلاگ خود خواستار سعه ی صدر سازمان تربیت بدنی در مقابل برنامه ی ۹۰ شد (استناد: ۸/۱۱/۸۷)

در نوشتار حاضر می خواهیم ببینیم آیا اهمیت اس ام اس های ارسالی واقعا در همین حد است. آیا می توان برای این حجم عظیم از اس ام اس ها یا واژه جای گیرین آن "پیامک ها" (که در این جا معنا دارتر و مناسب تر هم هست) بار معنایی ژرف تری نیز تصور نمود؟ از نگاهی دیگر و در یک مقایسه ی آماری از یک سو پیامک ها پیام آور موافقت ۹۸ درصد مردم با برنامه ی ۹۰ فقط با اجرای انتقادی عادل فردوسی پور هستند و از جهت دیگر نشان دهنده ی مخالفت حدود ۹۸ درصد مخاطبان برنامه ی ۹۰ با مدیران دولتی ورزش می باشند. اما اگر بخواهیم نتایج این نظرخواهی را، ورای یک تحلیل آماری، در قالب یک گفتمان ورزشی مورد بحث قرار دهیم. ناچاریم نا کارنامه ی ورزش سازمان تربیت بدنی را دست کم در ۲۰ سال گذشته به تحلیل و تفسیر بکشیم و بپرسیم آن میلیاردها دلاری که طی این ۲۰ سال از کیسه ی این مردم خرج ورزش شده است، اول حساب و کتاب و کتاب های علمی آن کجا است؟ دوم - چه گالی بر سر ورزش این مملکت زده آید و با کشیدن چوگان به ورزش گاه ها و باشگاه هایی که به صورت نمایش گاه عرضه ی کالا، گاوآردی، گل و گیاه و... در آورده آید، چند درصد جوی امتیاد، بداخلاقی، بی کاری و بی کردن اوقات فراغت جوانان را گرفته آید...؟

هالیدی، (Halliday, ۱۹۷۸)، می گوید: "مردم با کنش های معنا دار هر روزه خود، پایگاه ها و نقش های خود را تثبیت می کنند و نظام های ارزشی و دانشی مشترکی را بنیاد می نهند و منتقل می سازند." (در "تحلیل انتقادی گفتمان"، ص ۳۹ نورمن فرکلاف ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، ۱۳۷۹ تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها). کدام یک از گوشه های علم بسیار فراخ دانش روان شناسی، روان کاوی، روان درمانی، روان شناختی، جامعه شناسی، جامعه اندیشی و... در زوایای کار و کاسبی های ورزشی ما جای دارد؟

ویژه گی های مجری و رسانه
چرا رویه ی عادل فردوسی پور، مجری برنامه ی ۹۰ مورد ستایش اکثر مردم، رسانه ها و اهالی ورزش است؟ برای این که نسبت به برنامه های دیگر فرمایشی و دولتی از کفایت و صلاحیت

برنامه ی ۹۰ چند هفته ای است که آشکارا مورد انتقاد مقامات ورزشی واقع شده و حتا صحبت از تحریم آن به میان آمده بود. برنامه ای که به نقادی منصفانه و برخوردار از تضارب آرا شهرت دارد شدت ایرادها و انتقادها به حدی بود که انتظار می رفت آقای فردوسی پور به یک جابه جایی یا دست کم به تغییراتی تن در دهد. اگر عمری باشد و بشود روی این سندی از حق و حقیقت دفاع کرد، هفته آینده در خدمت تان خواهیم بود" (استناد: ۱۲/۱۱/۸۷). نامه ی رئیس شورای مرکزی اتحادیه ی فوتبال به آقای سرخانی، (رئیس سازمان صدا و سیما)، حاکی از هشدار آقای کفشپان به ۹۰ است. اگر برنامه ی ۹۰ خودش را اصلاح نکند، برخوردهای تنبیهی ما را چند برابر افزایش می دهیم و اهرم های فشار را به کار می گیریم. شاید دفعه های قبل فقط دوربین ها پستان را زده نمی دادیم، اما این بار شرایط سخت تری را برایشان بوجود می آوریم. علاقه مند هستیم نودی را ببینیم که نصیرات اساسی کرده و پایش را از دهنه ی اختیارات خود فراتر نمی گذارد (همشهری، ۸/۱۱/۸۷). ظاهرا چنین هشدارهایی که نمونه ای از مخالف خوانی های قدرت مندان به شمار می رود، آقای عادل فردوسی پور، مجری ۹۰ را که با رک گویی و بی پروایی همیشه گی اش پاسخ منتقدان را می دهد، بر آن داشت تا به جای قهر و واگذاری موقعیت خود به یک مجری دیگر، در برنامه ی دوشنبه ۲ بهمن ۸۷ با این سؤال که "آیا شما با رویکرد برنامه ی ۹۰ موافق هستید؟"، از مخاطبان برنامه نظرخواهی کند. او می دانست، چنان چه دست روی دست بگذارد، حتا اگر یک تغییر پست اجرایی در کار نباشد، در صورت عدم همکاری مسئولان تربیت بدنی و با جلوگیری از انجام مصاحبه ها و قطع رابطه ی سازمان های متبوع خود، برنامه اش دیگر رونق سابق را نخواهد داشت. در پی این نظرخواهی "نزدیک به ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار اس ام اس برای ۹۰ ارسال شد که ۹۷٪ درصد آن ها با ۹۰ موافق بودند و تعداد مخالفان تنها ۲/۸ درصد بود" (استناد: ۸/۱۱/۹۷)

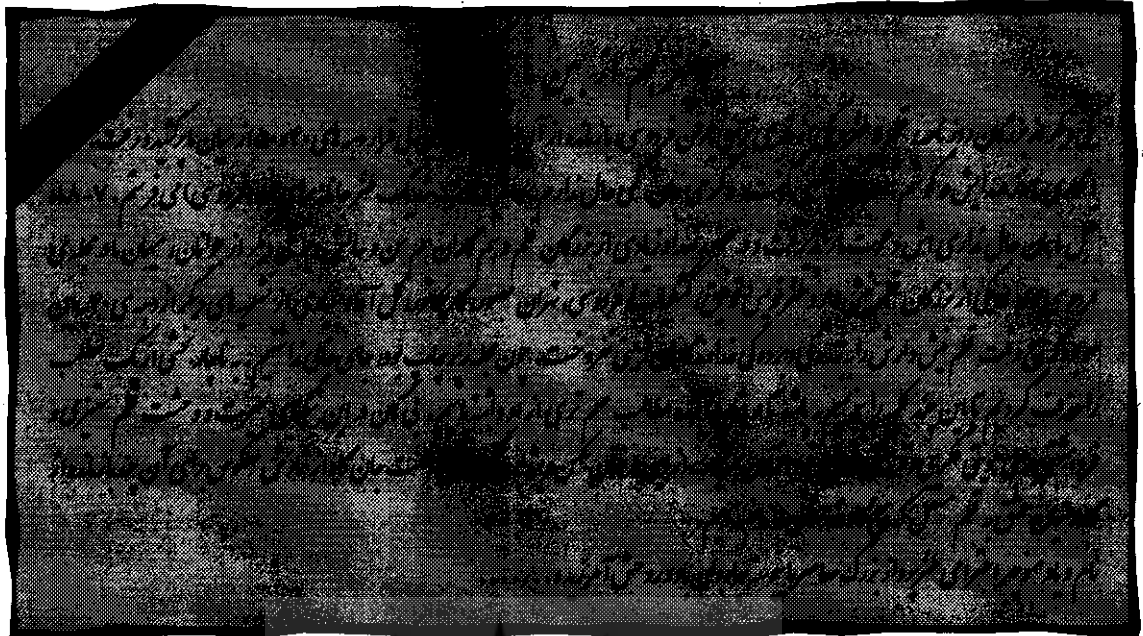
بر خوراری از چنین حمایتی در وهله ی اول منجر به آن شد تا از سویی مسئولان تربیت بدنی عقب نشینی کنند. از سویی دیگر، برای مسئولان صدا و سیما نیز دلایل کافی فراهم آمد تا به تیار استقبال مخاطبین از برنامه ی ۹۰ از جابل فردوسی پور، مجری آن، پشتیبانی بیشتری به عمل آورند. هم چنین، علی اکبر جوان فکری،

بیش تری برخوردار است. کفایت به معنای یک ویژه گی دال بر شایسته گی، ظرفیت شخصی و حرفه ای به شمار می رود. در غیر این صورت، کفایت این برنامه و اهدافش که نوعی روشنگری، حقیقت جویی و آشکار کردن مافیای ورزش است می توانست دچار اختلال شود. در نتیجه ی چنین شرایطی است که به تبادل اخبار ورزشی و تحلیل آن ها از موضع ضلای فرهنگی نگریسته می شود. و این همان چیزی است که به جنابیت برنامه می افزاید. مردم می بینند که مجری شرایطی را فراهم می آورد تا افراد با مسئولیت ها و اختیارات مختلف در مقابل دوربین یا در واقع رو در روی مردم قرار گیرند و با منطق و استدلال حرف بزنند. یعنی این که خودشان را در درون حاکمیت ببینند و نه در بیرون آن. شما می خواهید این کوچک ترین روزه را هم بگل بگیرد خوب، همین می شود که این ۱۰۰۵ درصاطلمتبان خودی های تان هم از شما سلب می شود.

پارافوکس جنابیت - نشن آفرینی - شفاف سازی وقتی ما ادعا می کنیم که می خواهیم شفاف رفتار کنیم، فرض بر این است که شفافیت پیرامون ما یا در جامعه کالای کمیابی است. واقعیت آن است که نظرات متعارض از کودکی تا دانش گاه و جامعه از سوی قدرت متوازن فردی - اجتماعی مجال بروز نمی یابند و به همین خاطر نظرات افراد از سرحایت کفای برخوردار نبوده و شفاف ابزار نمی شوند و این منبب می شود که جامعه با نوعی ضد گفتار درمانی، ضد ابزار عقیده، ضد حقیقت نگری و در نتیجه دروغ، حيله گری، ترس و فساد اخلاقی خوبگیرد.

در فضایی که افکار و نظرات متفاوت مجال ظهور نیابند، رفتارها در سایه گمشوش می یابند. در چنین موقعیتی افراد مایلند ناشناخته و غیرعلنی فعالیت کنند، از میران مسئولیت پذیری افراد در روی دلبهای کوچک و بزرگ کاسته می شود. از این رو، درست در چنین فضایی، چنان چه شخصی به مصاحبه تن در دهد و از آداب افکار و نظراتش را بیان نماید، رفتار او بدین معنا است که شخص در حوزه ای که فعالیت می کند یا در هر موضعی که هست از حالت ننگ گویی دست

ادامه در صفحه ۹۵



ادامه سرمقاله از صفحه ۴

هر منصبی که هست از حالت تک گویی دست برداشته است و می پذیرد که نظرات دیگری هم هست و دست کم به ظاهر نشان می دهد که دوست دارد با نگرش دیگران ارتباط حاصل کند. اگر در جامعه ای بیماری مبارزه با آزادی بیان به صورت اپیدمی درآید، دروغ، گزافه، چاپلوسی و تملق دامن گستر و همه جاگیر می شود و سقوط اخلاقی - اجتماعی کوچک ترین آسیب اجتماعی است که آسیب شناسان جامعه آن را پیش بینی می کنند. اما شفافیت عمل و رویارویی نقطه نظرات متفاوت همیشه با آرامش و آسوده گی خیال همراه نیست و چه بسا ممکن است، تنش آفرین باشد. و بسیاری از کسانی را که در مورد انتقاد علمی قرار می گیرند آشفته سازد. حدود ۲ سال قبل برنامه ی "شب شیشه ای" با اجرای آقای رشیدپور به عنوان شخصیتی جدی، مشتاق و با ظرفیت در یک شبکه ی تلویزیونی پخش می شد. برنامه ای که مبنای خود را بر شفافیت و یک رنگی یا تماشاگران اش گذاشته بود، از جذابیتی بالا برخوردار شد و بازتاب گسترده ای یافت. شب شیشه ای در مصاحبه هایی که با افراد سرشناس به عمل می آورد، الگوی مرادوه ای را معرفی می کرد که نشان از تعدیل شرایط اجتماعی داشت. اما برنامه ی شب شیشه ای حرف های بسیار برای گفتن داشت و بسیاری از اسرار پشت پرده را برملا می کرد، از سوی همان کسانی که احساس خطر می کردند، تنش آفرین تلقی شد و از ادامه بازماند، غافل از آن که عمل شفاف سازی به خاطر واکاوی مسایل و مباحث مورد منازعه اصولاً خصلتی تنش آفرین دارد. تنش را نمی توان به حساب مجری گذاشت. تنش آفرینی را نمی توان به خواست یا در واقع بدخواهی مجری نسبت داد، بلکه تنش در آن فضای شفافی است که ایجاد شده است. و همین تنش ها چه بسا بسیاری از پیچیده گی ها و نابه سامانی های ساختاری اداری - اجتماعی را چاره کرده است.

چشم اندازهای زندگی مدنی - الگوی مرادوه

واقعیت آن است، شخصی که در چارچوب برنامه ۹۰ به مصاحبه تن در می دهد، به پاسخ گویی و مسئولیت پذیری و یا دست کم به تعدیل اجتماعی یعنی ملاحظه ی حضور دیگران آری گفته است. یعنی ۱۶۰ درجه برخلاف جهت خواسته ها و اهداف مقامات ورزشی که از اظهار نظر در جمع دیگران هراس دارند. چرا؟ چون نمی خواهند اسرار شان برملا شود. و حساب پس بدهند!

و این یعنی بسته نگه داشتن فضای تبادل نظر، و این موضوع در نهایت به معنای آن است که ما خواهان زندگی در یک جامعه ی مدنی هستیم، بی آن که در سطوح فرهنگی رفتار متناسب با ساز و کارهای یک جامعه ی مدنی را آرایه دهیم. بی آن که بخواهیم به مردم جواب بدهیم. بی آن که دوست داشته باشیم کسی از کاستی ها و خلاق های مان انتقاد کند. در اصطلاح عامیانه به این می گویند: «قسم حضرت عباس و دم خروس...» در چنین وضعیتی مجری تلویزیونی نظیر گزارش گر هر رسانه ی دیگر، تلاش می کند تا با بهره گیری از راه کارهای مناسب شرایط مقایسه ای را فراهم آورد تا آن چه را که هست و آن گونه که باید باشد، به مردم بازشناساند. بدیهی است که توجه ذهنی به چنین مقایسه هایی شرایطی دارد و دست کم، هم از اعتبار گزارش گر و هم از اعتبار رسانه ی مورد نظر متأثر است. گزارش گر متأثر از کفایت حرفه ای و روحیه ی اجتماعی، در برنامه ی خود الگوی مرادوه ای را معرفی می. کند که نشان از تعدیل شرایط اجتماعی با خود دارد. اگر وظیفه ی ساختاری یک خبرنگار، روزنامه نگار یا گزارش گر انعکاس جریان های (مثبت یا منفی) اجتماعی نباشد و اجازه نداشته باشد مسایل اجتماعی را به نقد و تحلیل بکشد چه تفاوتی با یک قصاب محترم، بساز و بفروش محترم یا نانوا محترم دارد؟ مگر این که مقامات ورزشی!! مانیز مانند اصف علی زرداری رییس جمهوری محترم!! پاکستان اعتقاد داشته باشند: «روزنامه نگاران بدتر از تروریست ها هستند و تروریست های بزرگ تری هستند»



روزنامه نگار می خواهد ایراد شیوه های ارتباطی بی اثر شده را برطرف نماید. این مردم هستند که تصمیم می گیرند و نه مقامات تربیت بدنی! در این بگیر و ببند پهلوانانه ی ورزش کاری! اتفاقاً آن کسی که مورد استقبال قرار گرفت عادل فردوسی پور با برنامه ی ۹۰ بود و آن سازمانی که آسیب دید تشکیلات تربیت بدنی از نظر علم رسانه ای این را می گویند، خودکشی یا خودزنی تشکیلاتی، که مدیران تربیت بدنی در آزمایش ناخواسته ی مقابله با افکار عمومی به شدت آسیب دیدند.

گزارش گر در چنین فضایی صرف نظر از به کارگیری برخی متغیرهای جذاب کننده از تکنیک های مبالغه آمیز، احساسی، گرافه گویی و تملق پرهیز می کند. نیازی به مچ گیری و به دام انداختن شخص مصاحبه شونده یا تحمیل خود تحت هر شرایطی نمی بیند. گذشته از اعتبار گزارش گر تلویزیونی یا مطبوعاتی، اعتبار رسانه نیز مهم است. رسانه باید اعتبار کسب کند تا بتواند از هراس و فاصله بین هویت سنتی (آدم حسابگر تا ته کوزه را نبیند، از آن آب نمی نوشد) و هویت مدرن به منزله ی عضو جامعه ی مدنی (شفاف عمل کن) بکاهد. رادیو و تلویزیون در عرصه ی تعامل اجتماعی اگر درباره گفت و گو و شنیدن و تحمل و این جور چیزها حرف می زند باید خودش معرف الگوی رسانه ای آن باشد. دفاع آقای ضرغامی از برنامه ی ۹۰ را بایستی در این راستا درک نمود. صدا و سیما می خواهد به عنوان تولید کننده کالای فرهنگی از یک الگوی واقعاً معتبر و تماشاکرپسند جانب داری کند.

مقامات صدا و سیما هم اگر نمی دانند (که به خوبی هم می دانند) باید آگاه باشند. برنامه های صدا و سیما با همین کیفیت موجود در یک نظرخواهی علمی، بی طرفانه و غیرجهت گیرانه از درصد بسیار پایینی هوا خواه برخوردار است. چنان چه این یکی - دو برنامه ی انتقادی هم از این تشکیلات عریض و طویل فرا وزارت خانه ای حذف شود، دیگر کم تر کسی رغبت می کند به آن چهره های تکراری غم آلود، مه گرفته، پریشان، بدلیاس، ماهوتی و خاکستری نگاهی از سرشوق بیندازد. تماشاگر و بیننده تلویزیونی چیزی فراتر از آن الگوهای رفتاری روزمره کوچک و خیابان و چهره های به شدت تکراری و کپی شده می خواهد. اگر غیر از این است، سیل میلیونی و طرف داران و مهاجران روبرو افزایش از سیمای جمهوری اسلامی به سوی تلویزیون های ماه واره ای، با آن همه خطرات بگیر و ببند و جمع کردن دیش و جریمه های سنگینی که در پی دارد از نظر جامعه شناختی در کدام الگو بازشناسی می شود؟ قرار است در برخوردهای انتقادی رسانه ای از کاربری های حداقلی جورنالیستی و تحمل آرا و عقاید موافق و مخالف یک دیگر برخوردار شویم. و این نیاز حداقلی برای مانده گاری یک رسانه ی عمومی است.

به موازات چنین تحلیلی، سبب آن که آقای جوان فکر، مشاور مطبوعاتی رییس جمهوری، در فاصله ای کمتر از ۲۴ ساعت پس از برگزاری نظرخواهی مجری برنامه ی ۹۰، در وبلاگ شخصی خود، از برنامه ی ۹۰ حمایت به عمل می آورد، کاملاً روشن و واضح است. دولتی ها، ممکن است بتوانند توجیهی برای مخالفت با احزاب سیاسی - اجتماعی، غیر از حزب متبوع خود ارایه دهند، اما نمی توانند توجه و استقبال ارتباط با مردم را رها کنند و نسبت به هر گونه ابزار مدنی که به نوعی دولت را با افکار عمومی مواجه می سازد، و با آن را مورد انتقاد قرار می دهد بی اعتنا باشند.

انتظار و حمایت مردم نسبت به مجموعه ی ورزش ملی

مردم کشور ما و به ویژه میلیون ها جوان ایرانی به نقشب و جای گاه مجموعه ی ورزش کشور به ویژه از زاویه ی غرور و افتخار ملی نگاه می کنند. سطح انتظارات چه تلویحی و چه آشکارا از ورزش کاران بسیار بالا است. گویی آنان باید "فاتحان قله های فخر تاریخ" باشند (آخوان ثالث). شاید ورزش کاران چنان چه خود را تا حدودی به بی خیالی نزنند، مواجهه ی مدام با این انتظارات آنان را کلافه کند. مردم انتظار دارند که ورزش کاران افتخاراتی حتماً فراتر از امکانات موجود کسب کنند و در واقع بر محدودیت های شخصی و بومی فایق شوند. محمد رضا یزدانی خرم، رییس فدراسیون کشتی در این رابطه به خوبی اشاره می کند: "امروز توقع مردم از کشتی بالا است. اگر کسی

می خواهد در کشتی بماند، باید تختی شود. در غیر این صورت حضورش در کشتی بی هوده خواهد بود" (همشهری، ۱۵/۱/۸۷). بی گمان گوینده در این تلمیح صرفاً به جنبه ی مدال آوری تختی نظر ندارد، بلکه وجوه دیگر او، هم چون جوان مردی و افتخار آفرینی او را نیز مد نظر قرار می دهد. و مهم تر این که آن مرد با کدام امکانات مالی، معنوی، اجتماعی و سیاسی توانسته است قله های افتخار را فتح کند؟

یکی دیگر از پیام های این حجم زیاد از پیامک هایی که در پی نظرخواهی مجری برنامه ی ۹۰ ارسال شده، حاکی از این است که بین مردم انتقاداتی نسبت به مجموعه ی ورزش کشور در حال شکل گیری است. به ویژه آن که مردم از ورزش کاران درستی و راستی بیشتری انتظار دارند: "ز نیرو بود مرد را راستی". افتضاح المپیک پکن، در جا زدن و بی برنامه گی حاکم بر فوتبال کشور، به ویژه به رغم هزینه های میلیاردی که بخش قابل توجهی از بودجه ی کشور را می بلعد، شفاف نبودن هزینه های جاری ورزشی و بسیاری از نا به سامانی های رفتاری مسئولان ورزش و ساختاری فن ورزش به منزله ی تبلوری از ناهماهنگی واقعیت با انتظارات ایجاد شده، موضوعی سؤال برانگیز است: "دکان بی متاع چرا وا کند کس!"

بالا بودن سرسام آور هزینه های ورزشی، نبود امکانات ورزش رایگان برای علاقه مندان، خصوصی شدن باشگاه های دولتی که با پول همین ملت ساخته شده اند، استفاده ابزاری، تجاری، بازاری و کاسب کارانه از باشگاه های بزرگی مانند باشگاه انقلاب، قیمت های سرسام آور زمین های ورزشی مانند تنیس و حق عضویت سالانه ی سرسام آور تر آن فقط برای ورود به این باشگاه، مشکل تراشی و عدم اجازه ورود خبرنگاران به یکی از خبرسازترین مکان های عمومی که با هزینه ی این ملت در مالکیت تربیت بدنی قرار گرفته است و بسیاری نابه سامانی های دیگر، آن چند نفر و چند خانواده علاقه مند به ورزش را هم از انگیزه ذاتی سلامت زایی، استعداد یابی و قهرمان پروری ورزش دور می کند و همین می شود که با خرج ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان برای حضور در المپیک پکن آن افتضاح فراموش نشدنی به بار می آید و سیل پیش گویی های اغراق آمیز و گرافه گویی های قبل از بازی های پکن را به گریز از پاسخ به انتظارات ملی و جبهه گیری پهلوانانه! با یک رسانه و تشکیلات رسانه ای نه، بل که با یک خبرنگار و گزارش گر می بیند. پاسخ به این کنش حرفه ای و آن واکنش احساسی - انتقادی در این است که هیچ سازمان، جریان، تشکیلات و یا مقام مسئولی خود را به زحمت نینداخت که این فاجعه ی ورزشی المپیک پکن را به چالش نقادانه، پی گیرانه و اعلان نتیجه بکشد و از آن مدافعان والامقام از ورزش کشور به جد بخواهد که بیایند و حساب و کتاب پس بدهند، نه آن که در مقامات عالیه ی قبلی خود هم چنان استوار و پا برجای به ریش تمام منتقدان رسانه ای خود (و نه رقبای فدراسیونی خود) بخندند. جای آن دارد که مدیران دولتی ورزش به جای تحریم یکی از پر بیننده ترین برنامه های تلویزیونی و فرار از افکار عمومی در پاسخ به این ناکامی های فاحش، و هزینه های سرسام آور میلیاردی برای ورزشی که همیشه در سطح جهانی بازنده است و در تبلیغات گرافه گویانه ی داخلی همیشه بر نقطه ی اوج و بالاترین سکوی قهرمان قرار دارد توجیه قانع کننده ای ارایه دهند. در واقع، در مجموعه ی برنامه ی ۹۰ می بینیم بی آن که تصمیمی از پیش برنامه ریزی شده در کار باشد، بر اساس انتظارات بر زبان نیامده و دانش مشترکی که بر شمرديم، موقعیت هایی ایجاد می شود که امکان مقایسه را فراهم می آورد و داغ مردم را نسبت به آن غرور جریحه دار شده تازه می کند. در این مرحله ی جامعه شناختی برخورد می کنیم به مقایسه ای بین گزاره های تلویحی ایجاد شده و واقعیت موجود در حد صفر. عجیب آن که با وجود این همه نابه سامانی ها و خلاف های مشهود مسئولین ورزش کشور در حین فرار از افکار عمومی، لابد با این فکر که "بهترین دفاع حمله است"، به جای پاسخ گویی و تأمل بیشتر روی انتظارات و انتقادات مردم در بخش ورزش، به رویارویی با مجری بی گناهی که حرف دل میلیون ها مردم را می زند روی آورده اند. یزدانی خرم

در ادامه ی همان مصاحبه ی اشاره شده، به عنوان راه چاره، خواستار عدم وابسته گی ورزش کشور به دولت شده و پیشنهاد می کند که دولت در این راه، نظیر برخی کشورهای دیگر، بهتر است فقط کار نظارتی در ورزش را انجام دهد. به نظر می رسد چنان چه تغییر الگوی مرابده اجتماعی با پی گیری دنبال شود، می تواند گسترش ذخایر رفتاری و ذهنی جامعه را در پی داشته باشد. شاید بایستی به نگرانی ها و تسلط فضای برد و باخت در تعامل شفاف بیشتر توجه شود. شجاعت از منظر روان شناسی به معنای نترسیدن نیست، بلکه چشم گشودن و دیدن ترس و اضطراب های زندگی است. یعنی به کارگیری عقل در تصمیم گیری ها. به ویژه آن که تأثیر فاکتور ترس و اضطراب در فضای برد و باخت بسیار بالا است. در چنین حالتی دانش جو، کارمند، هنرمند، مدیر و افراد مسئول مایل نیستند شفاف صحبت کنند، چون شرایط را آکنده از فضای برد و باخت و سرزنش و تنبیه می بینند برد و باختی که در برخی موارد به وجود و عدم وجود و یا از دست دادن بسیاری از امکانات آن ها بسته گی دارد. با توجه به نکاتی که در این نوشتار به آن پرداختیم، قضاوت در این خصوص که برنامه ی ۹۰ به لحاظ محتوایی و کیفیت در آینده دچار چه تحولاتی شده و چه خط سیری را دنبال خواهد کرد، هنوز نیاز به زمان دارد. اما آن چه که بی گمان لازم است درباره اش خردمندانه تصمیم گیری شود این است که برای جلوگیری از سر رفتن دیگر های در حال افتخار به سوپاپ های اطمینان بیش تری نیاز است. اگر آسپزه های ما عاقل باشند. چنان چه جز این باشد، فردوسی پور را ابقا می کنند، اما به خود او خواهند گفت ساکت!...

برای آن که موضوع بحث ما به شکلی علمی تر مورد بررسی قرار گیرد به مستندات اشاره می کنیم فقط به منظور عبرت و تنبیه مسئولان تربیت بدنی تا با نگاهی علمی تر، منطقی تر، خرد ورزانه تر و باسوادانه تر به آرا و افکار عمومی بنگرند و از سر ناسازگاری با مردمی که «دست حق آنان است» مواجه نشوند: اعتماد ملی در ۸۷/۱۱/۲ نوشت: (برنامه ی ۹۰ در محضر: محمد شهبازی، مسئولان فدراسیون به دستور مقامات بالاتر بیانه صادر می کنند: صفایی فراهانی، * آن که جاودانه می ماند: امیرعلی زاده، * شاید دیگر ۹۰ نماند- عمیقاً برای دوست عزیزم، عادل، متأسفم-تماز یار ناظمی، * دریک نظر سنجی سائیتی بیش از ۹۲ درصد به عادل فردوسی پور رای دادند... سایت خبری عصر ایران، * دلم بدجوری سوخت، آخه آدم مجبور باشه برای ساکت کردن صدای مخالفان دست به دامن وزیر ارتباطات بشه خیلی زشته ... علی، * همین چند روز پیش در رادیو صحبت از کوچ اهالی قلم بود: آرش، * امشب واقعا به ضعف مدیریت در بخش کشور صد در صد پی بردم ... محمد، * با این کارها بیش از پیش دولتی بودن ورزش ایران نمایان می شود. پرشین، * چرا باید از حقایق فرار کرد؟ فیروزه عسگری، * ... آقای ناظمی متأسفم که بگویم بین شما برنامه سازان ورزشی رادیو و تلویزیون هم کسالتی هستند که از رفتن فردوسی پور خوشحال می شوند. ایرانی، * اگر مدیران ارشد صدا و سیما به کم قاطعیت داشتند کار به این جا نمی کشید... ما آریا، * برنامه ی ۹۰ خاری در چشم کارشناسی است که پدر ورزش نام دارند. همه چیز از روزی شروع شد که برنامه ی ۹۰ گیر داد به امپراتوری منتخب سازمان: ... علی، * چه ۹۰ بمونه و چه بره، برنده ماجرا عادل فردوسی پور است... گاندولف، * کوچک ترین حسن این کار اثبات حقیقت انتقادات فردوسی پور بود: * نوید، واقعا متأسفم که طرف دار این فوتبال ناپاک هستم ... متأسفم که این آقایان مردم و مخاطبانشان را فاقد شعور می داند، امیدوارم سازمان قدرت مند صدا و سیما جرات حمایت از مردمی که ساعات ارزش مندشان را در کنار تلویزیون می گذرانند داشته باشند: شهرام) هم چنین نگاه کنید به طنز زیبا و سیاسی «۹۰ منتقد بی دفاع» از پیمان مقدم در اعتماد ملی ۸۷/۱۱/۲، (جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد... کیفیت بالا و اجرای حرفه ای برنامه ی ۹۰ ... کسالتی باید پاسخ بدهند که از کنار همین فوتبال میلیاردها ثروت اندوخته اند... رفتارهای مدیریت کلان ورزش ... به مردم و جامعه مربوط می شود. مدیران فدراسیون فوتبال اگر تصور کنند برنامه ی ۹۰ مرتکب خطا شده است، اعلام کنند، نه آن که

جلوی عملکرد حرفه ای رسانه ای را محدود کنند ... کلمبیز نوروزی، * (عزیزی، مدیرکل حقوقی سازمان تربیت بدنی، یک روز پس از شرکت در مصاحبه ی رادیویی به اتفاق رییس سازمان بلزوسی کل کشور و اعتراض به دو شغله بودن رییس سازمان ورزش، از سمت خود عزل شد... هم شهری ۸/۱۶)، * (بخندیم یا گریه کنیم؟: یوسف اکبری - اعتماد ملی ۱۱/۳، * ۹۰ برنامه ای است که الف- بای نقد درباره مدیریت ورزش ایران را سده کرد... امروز تعطیلی ۹۰ و فردوسی پور ... فردا تو و من! روزنامه و رادیو! تا کجا می خواهیم اجازه دهیم دنیای رسانه ی آزاد متأثر از مدیریت ها و حمایت ها باشد؟... (هواداران استقلال از فردوسی پور حمایت کردند... بالأخره کفاشیان رییس فدراسیون فوتبال هم به تند ی علیه ۹۰ موضع گرفت و از آن به برنامه ای (خاله زکی) و (دوبه هم زن) تعبیر کرد و گفت این برنامه فوتبال را مسخره می کند... چند وقت پیش هم این آقا (کفاشیان) در انتقاد از تبلیغ ماکارونی روی پیراهن تیم ملی، با خوش مزه گی گفته بود «می خواهیم سس روی پیراهن تیم ملی تبلیغ کنیم، چون ماکارونی با سس خوش مزه می شود»... هم شهری ۱۱/۳)، * (انتقاد سعید مدنی مدیر مسئول کیهان ورزشی از برنامه ی تلویزیونی ۹۰: برنامه های تلویزیونی باید کمک حال مسئولان ورزشی باشند... با تغییر روی کرد در این برنامه (۹۰) می بینیم که این برنامه جای گاهی در میان مدیران و کارشناسان ورزشی ندارد. متأسفانه این برنامه چند وقت است که بسیاری از افراد ورزشی را به جان هم انداخته ... کیهان (۱۱/۳)، * (۹۵ درصد اهالی فوتبال موافق برنامه ی ۹۰- هم شهری)، * (برداشت دوم - پیروزی فردوسی پور مردم به سود صدا و سیما است - اعتماد ملی ۱۱/۳)، * (فقط کمی جسارت داشته باشید: سیامک رحمانی، * ... این که امروز فدراسیون فوتبال به جنگ علنی با برنامه ی ۹۰ می پردازد بدعتی تازه و گامی بلند در جهت محدود کردن رسانه است... واکنش فدراسیون فوتبال به برنامه ی ۹۰ علنی شد- * تحریم ل. فردوسی پور هم چنان ادامه می دهد... اعتماد ملی ۱۰/۳۰)، * (فدراسیون فوتبال علیه برنامه ی ۹۰ - * تحریم دوربین های ۹۰ در لیگ برتر - مصاحبه ی تند کفاشیان در مورد این برنامه ... هم شهری ۱۰/۳۰)

شکفت انگیز تر از این نمی شود. بی گمان به استثنای چند کشور که ساختارهای اداری- اجتماعی آن ها از نلبه سالمی های بیمارگونه ی جامعه شناختی برخوردار است، سرزمینی وجود ندارد که مدیران و مقامات ورزشی شان که در نخستین گام باید در راه گسترش همه جانبه ی ورزش، توسعه ی اخلاق، پاس داری از بهداشت زواتی جامعه، تلاش در جهت هدایت جوانان به سمت و سوی فکر و جسم سالم و پرورش ساختارهای بنیادین رانمردی و پهلوانی، بکوشند که این چنین قدرت مندانه، بی پروا و بی توجه به افکار عمومی، به رسانه ای رسمی و دولتی که به سهو یا عمد، به دلیل مسایل سیاسی یا غیر سیاسی، برحسب وجود یک سوپاپ اطمینان و یا نقد ساختاری و تحلیل گرایانه ی واقعی (یادآوری می شود که مجله ی فردوسی علاوه بر اختلاف فکری و سیاسی با تنها رسانه ی تصویری دولتی از نظر ساختار جورنالیستی و درعین حال نبود هیچ گونه رابطه ی کاری، اداری یا اقتصادی با آقایان ضرغامی، عادل فردوسی پور و یا کسان در ارتباط با این دو فرد محترم و جریان فکری حاکم بر این رسانه فقط به ابزاز عقیده آزاد و بی طرفانه و وظیفه ی حرفه ای جورنالیستی خود پرداخته است) این گونه ناخت و تاز کند و برای مجری بی گناه و برای رای مردم در پیش پا افتاده ترین نظر خواهی عمومی (SMS) آن هم با بسته شدن سیستم ارتباطی پیام رسان، خط و نشان بکشد و یا آن را ساخته گی و غیرواقعی بنامد از خوانندگان بخشایند آزادی خواهیم که شکیبایی ما را بیش تر و حس امانت داری ما را نسبت به ثروت ملی هوشیارتر کرد.

ایدون باد
« سردبیر »